

دیدگاه طرح ساماندهی اقتصاد و نظام برنامه‌ریزی برنامه سوم نسبت به توسعه صنعت و صادرات

شماره:

بخش صنعت در سال‌های پس از جنگ تحمیلی با تحولات قابل توجهی روبه‌رو شد. صنایع کشور که در دوران جنگ‌گاه با ۷۰ درصد ظرفیت بلااستفاده (در اثر کمبود مواد اولیه و نیز نیاز به بازسازی) روبه‌رو بودند، در دوران بازسازی اقتصادی قادر شدند نه تنها از ظرفیت خالی خود استفاده کنند، بلکه سرمایه‌گذاری‌های جدیدی را پذیرا شوند که در نهایت به رشد ارزش افزوده این بخش کمک کرد.

با وجود آنکه سهم صنعت در صادرات غیرنفتی در سال‌های پس از خاتمه جنگ روبه افزایش گذارده است، لیکن هنوز از جایگاه مناسب برخوردار نیست و همچنان به ارز حاصل از صادرات نفت برای تأمین نیازهای ارزی خود وابسته است.

به منظور رشد تولیدات و صادرات محصولات صنعتی در طرح ساماندهی اقتصاد، توجه ویژه‌ای به بخش صنعت مبدول شده که در چارچوب تنظیم سومین برنامه توسعه اقتصادی می‌بایست عملی گردد.

در این گزارش به دیدگاه طرح ساماندهی اقتصاد نسبت به توسعه صنعت و صادرات آن و نیز نظام برنامه‌ریزی برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در این بخش توجه داریم.

گسترش خصوصی‌سازی و واگذاری واحدهای صنعتی تحت پوشش دولت به بخش خصوصی و مردمی است. از سوی دیگر بخشی از مشکلات صنعت کشور به حل و فصل مسایل ارزی، بانکی و... بستگی دارد که می‌بایست در چارچوب سیاست‌های کلان اقتصادی، بررسی و حل و فصل گردد.

طرح ساماندهی اقتصاد برای رفع این معضلات، طراحی برنامه‌های مختلفی را پیشنهاد کرده است. طراحی نظام فعالیت‌های صنایع کوچک و طرح اشتغال جوانان با تأکید بر توسعه پروژه‌های زودبازده دو هدف عمده را

شرکت‌های دولتی، تجدید ساختار بازار سرمایه و طراحی نظام مطلوب برای آن، طراحی نظام رقابتی برای فعالیت‌های صنعتی کشور و تدوین نظام جامع به‌کارگیری منابع خارجی توجه دارد. برخی از این محورها به‌طور مستقیم و برخی به‌طور غیرمستقیم بخش صنعت و توسعه تولید و صادرات آن را مدنظر دارد.

از آنجا که بخش قابل توجهی از صنایع کشور هنوز تحت مالکیت و مدیریت دولتی قرار دارد و اداره آنها بار سنگینی از جهت هزینه و تصدیق به دولت تحمیل می‌کند، یکی از محورهای عمده در طرح ساماندهی اقتصاد،

در طرح ساماندهی اقتصاد در چند محور مشخص طراحی برای توسعه صنعت و صادرات آن منظور شده است. این طرح به طراحی سازوکارهای مناسب برای رشد صنعت در کشور در محورهای گوناگون از جمله طراحی نظام فعالیت‌های صنایع کوچک، طراحی نظام جامع تجارت خارجی و توسعه صادرات غیرنفتی، طراحی سیاست‌های کلی برای تدوین برنامه ارزی کشور، تدوین لایحه خصوصی‌سازی و کاهش بار تصدی دولت (از طریق آزادسازی و خصوصی‌سازی)، تدوین لایحه قانونی تجدید ارزیابی دارایی شرکت‌ها، طراحی نظام واحد مسالی - مدیریتی برای

دنبال می‌کند. اول آنکه سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک از عهده سرمایه‌گذاران داخلی که منابع قابل توجه در اختیار ندارند، برمی‌آید. دوم آنکه صنایع کوچک و میانی قادر به تولید محصولات با ارزش افزوده بیشتر و رقابت در بازارهای خارجی می‌باشند. در حالی که صنایع بزرگ در فروش تولیدات خود در عرصه رقابت جهانی معمولاً با دشواری‌هایی روبه‌رو می‌باشند. سوم آنکه گسترش صنایع کوچک و اشتغال‌زا با مشارکت بخش خصوصی و تعاونی‌های تولیدی، مشکل بیکاری جوانان (یا جمعیت جوان) ایران را حل می‌کند و طرح‌های صنعتی کوچک سریع‌تر به بازدهی (تولید محصول) می‌رسند.

از سوی دیگر در دو برنامه توسعه اقتصادی سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در صنایع بزرگ (ذوب فلزات، صنایع سنگین و...)

صورت گرفته است که قادر است مواد مورد نیاز صنایع میانی کوچک را تأمین و ارزش افزوده تبدیل آنها به کالاهای واسطه‌ای یا محصول نهایی نصیب اقتصاد ملی کند. لذا به نظر می‌رسد که سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک و میانی که تغییر و تبدیل‌هایی را در محصول صنایع سنگین به وجود می‌آورد و قادر است تولیدات جدیدی را به بازارهای داخلی و خارجی عرضه کند و ارزش افزوده بخش صنعت را در حد قابل توجهی افزایش دهد، از نظر اقتصادی باصرفه‌تر است.

از آنجا که بافت صنعت در ایران به دو شکل صنایع بزرگ و مادر و نیز کارگاه‌های صنعتی کوچک می‌باشد، لذا سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تعاونی

در فعالیت‌های صنایع کوچک و طرح‌های صنعتی زودبازده قادر به افزایش تولیدات صنعتی و رفع معضل بیکاری جمعیت جوان کشور خواهد بود. از سوی دیگر در طرح ساماندهی اقتصاد تدوین لایحه خصوصی‌سازی و کاهش بار تصدی دولت (از طریق آزادسازی و خصوصی‌سازی) دیده شده است. تدوین این لایحه با توجه به شرایط کنونی، ضروری است. زیرا از یک سو کاهش درآمدهای ارزی دولت در اثر افت قیمت نفت در بازارهای جهانی، ضرورت تجدیدنظر در ساختار هزینه‌های دولت را نشان می‌دهد و از سوی دیگر تعیین تکلیف صنایع تحت تصدی بخش دولتی فاقد انگیزه‌های لازم

پارچوب یک برنامه هوشمند صنعتی در بنیان‌گذاری حلقه‌های مفقوده صنعت و واگذاری آنها به بخش خصوصی در مراحل بعدی، سرمایه‌گذاری کند. یا دست‌کم در شرایط کنونی از درآمدهای حاصله از واگذاری صنایع دولتی برای تأمین منابع ریالی مورد نیاز بودجه بهره‌گیرد.

در طرح ساماندهی اقتصاد مسؤولیت تدوین لایحه خصوصی‌سازی بر عهده دولت نهاده شده است. دولت می‌بایست این طرح را هر چه سریع‌تر آماده کند و برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارایه نماید تا در نهایت امر خصوصی‌سازی با هدف افزایش کارایی بنگاه‌های تولیدی - اقتصادی در اسرع وقت تحقق پیدا کند.

تدوین لایحه قانونی تجدید ارزیابی دارایی‌های شرکت‌ها نیز به‌طور غیرمستقیم بخش صنعت را مدنظر قرار

○ از آنجا که بخش قابل توجهی از صنایع کشور هنوز تحت مالکیت و اداره دولت است و بار سنگینی از میث هزینه‌ها و تصدی به دولت تممیل می‌کند، گسترش خصوصی‌سازی در طرح ساماندهی اقتصاد مدنظر می‌باشد.

می‌دهد. برای حصول اطلاعات لازم از دارایی شرکت‌ها، ضرورت دارد که به‌طور قانونی و یکسان، دارایی‌های آنها ارزیابی شود. این امر در واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی می‌تواند معیاری مناسب در اختیار نهد.

از سوی دیگر ارزیابی دقیق دارایی شرکت‌ها به نوعی تکلیف مدیریت آنها را روشن می‌سازد که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مدیران این شرکت‌ها چه عملکردی داشته‌اند و تا چه حد توانسته‌اند دارایی‌های ثابت و جاری شرکت‌های تحت تصدی‌شان را رونق بخشند و یا برعکس از ارزش آنها کاسته‌اند.

طراحی نظام واحد مالی - مدیریتی برای شرکت‌های دولتی نیز امکان فعالیت و ارزیابی یکسان مالی - مدیریتی

برای کاهش قیمت تمام‌شده و افزایش سودآوری و صادرات را نوید می‌دهد. بنابراین خصوصی‌سازی واحدهای تحت پوشش دولت نه تنها بار تصدی دولت را تخفیف می‌دهد، بلکه نقطه آغازی برای افزایش کارایی این واحدها خواهد بود. در صنایع تحت پوشش دولت به‌طور عمده صنایع بزرگ قرار دارند که به لحاظ ضعف مدیریت، قادر به رقابت در عرصه خارجی نیستند. در حالی که مدیریت خصوصی بر این واحدها منجر به صرفه‌جویی و کاهش هزینه‌های تولید و در نهایت رشد قدرت رقابت آنها کمک خواهد کرد.

دولت با واگذاری صنایع به بخش خصوصی و مردمی، قادر خواهد شد منابع مالی جدیدی کسب کند که آن را در

شرکت‌های مورد بحث را فراهم می‌سازد. در حال حاضر شرکت‌های دولتی بنا به نحوه مدیریت و اداره‌شان و در قالب ضوابط مختلف و گوناگونی اداره می‌شوند که امکان ارزیابی دقیق نحوه مدیریت مالی و فراگیر آنها را از بین می‌برد. چنانچه نظام واحد مالی - مدیریتی برای این شرکت‌ها تدوین شود، در چارچوب آن می‌توان مدیران لایق و شایسته را از مدیران فاقد کارایی مشخص ساخت و سطح کارایی شرکت‌های دولتی را با تغییر و تحولاتی در جهت حمایت از مدیران کارآمد، ارتقا بخشید و بهره‌گیری از منابع تحت اختیار این شرکت‌ها را به صورت بهینه امکان‌پذیر ساخت.

از آنجا که شمار بسیاری از شرکت‌های دولتی به نوعی با بخش صنعت و واحدهای صنعتی سروکار دارند یا آنها را تحت اختیار دارند، این لایحه می‌تواند به‌طور غیرمستقیم بر بهبود بخش صنعت و واحدهای تحت تصدی دولت تأثیر داشته باشد.

محور تجدید ساختار بازار سرمایه و طراحی نظام مطلوب برای آن، از مسایلی است که می‌تواند به‌طور غیرمستقیم اما مؤثر، بر ساختار صنعت در کشور تأثیر گذارد. بازار سرمایه در ایران در حال حاضر در اختیار مجموعه نظام بانکی کشور است و از کارآمدی لازم برخوردار نیست.

بازار سهام و اوراق بهادار در حال حاضر حدود یک درصد بازار سرمایه را تحت اختیار دارد و بخش قابل توجه منابع سرمایه‌گذاری می‌بایست از طریق نظام بانکی تأمین مالی گردد.

با توجه به نرخ پایین پس‌انداز ملی، گسترش فعالیت‌های سوداگرانه و دلالتی و هدایت بخش قابل توجهی از منابع جامعه به این بازار، نرخ سرمایه‌گذاری یا انباشت سرمایه ناخالص ثابت در اقتصاد

ایران پایین است. همین امر موجب می‌گردد که سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مولد اقتصادی از جمله بخش صنعت در حد نازلی باقی بماند و در درازمدت نتواند در رشد تولید و صادرات صنعت مؤثر باشد.

تجدید ساختار بازار سرمایه و طراحی نظامی مطلوب برای آن می‌تواند هدایت پس‌انداز ملی به جریان سرمایه‌گذاری‌های مولد اقتصادی را میسر نماید. در این رابطه با استفاده از ابزارهای نوین بازار سرمایه و گسترش فعالیت بازار اوراق بهادار، با بهره‌گیری از ابزارهای لازم، اهمیت بسزایی دارد.

این تحول برای تسریع خصوصی‌سازی واحدهای دولتی در مرحله عمل ضرورت دارد. لذا می‌بایست بازار سرمایه در کشور تجدید ساختار شود تا فعالیت‌های مورد نظر بعدی (خصوصی‌سازی و...) امکان تحقق پیدا کنند.

طراحی نظام رقابتی برای فعالیت‌های صنعتی در کشور از محورهای عمده در طرح ساماندهی است که به‌طور مستقیم، بخش صنعت را هدف قرار داده است. ایجاد نظام رقابتی برای صنعت موجب می‌شود که سازوکارهای لازم برای فعالیت با بازده مناسب و بالا برای صنعت، تقویت قدرت رقابت در بازارهای داخلی و خارجی و در نهایت توسعه صادرات محصولات صنعتی میسر گردد. در طراحی نظام رقابتی برای فعالیت‌های صنعتی در کشور همواره می‌بایست موضوع صادرات محصولات صنعتی مدنظر برنامه‌ریزان باشد تا فعالیت‌های صنعتی در عرصه بین‌المللی توان رقابت پیدا کنند.

دسترسی یکسان به منابع ریالی و ارزی، سهولت در دستیابی به بازارهای پول و سرمایه، تسهیل واردات و صادرات، تعدیل قوانین و مقررات

مزاحم، افزایش بازده سرمایه‌گذاری در بخش صنعت از طریق پایان بخشیدن به معاملات سوداگرانه کالا و ارز، بهینه‌سازی تخصیص منابع و مدیریت واحدهای صنعتی و... می‌بایست در طراحی نظام رقابتی برای فعالیت‌های صنعتی مدنظر باشد.

تدوین نظام جامع به‌کارگیری منابع خارجی نیز از ضروریات توسعه صنعت و صادرات آن است. مقررات حاکم بر سرمایه‌گذاری خارجی در ایران به‌ویژه در بخش نقل و انتقال سود و اصل سرمایه، دچار نواقصی است که امکان بهره‌گیری مناسب از منابع خارجی در فعالیت‌های صنعتی را بسیار محدود نموده است.

برای دستیابی به منابع ارزی و فن‌آوری روز، مشارکت با سرمایه‌گذاران خارجی از ضروریات توسعه صنعت و صادرات صنعتی است. بسیاری از کشورهای که امروزه در جرگه صادرکنندگان محصولات صنعتی قرار گرفته‌اند، در سه دهه اخیر با مشارکت سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی توانستند سرمایه‌گذاری‌های مناسب و پربازدهی در بخش صنعت جذب کنند. با توجه به محدودیت سرمایه‌گذاری در بخش صنعت به‌ویژه افت آن در سال‌های اخیر، ضرورت دارد که نظام جامع به‌کارگیری منابع خارجی با توجه ویژه به قوانین و مقررات حاکم بر سرمایه‌گذاری خارجی، تدوین گردد.

در سال‌های اخیر در چارچوب قراردادهای بیع متقابل، استفاده از منابع خارجی برای اجرای پروژه‌های نفت و گاز عملی شده است. صرف‌نظر از فشارها و تحریم‌هایی که از ناحیه استکبار مانع از گسترش بهره‌گیری از منابع خارجی در ایران شده است، اما در حال حاضر جز قراردادهای فاینانس و بیع متقابل، شیوه‌های دیگری برای استفاده

از منابع خارجی مدنظر نیست. در حالی که می‌توان در قالب یک طرح جامع، نحوه بهره‌گیری از منابع خارجی را نه تنها برای بخش دولتی، بلکه برای فعالان بخش خصوصی و تعاونی‌ها بررسی و تسهیل نمود.

در نظام برنامه‌ریزی برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور که در اواخر شهریور ۷۷ به تصویب هیأت دولت رسید، این تحولات به شکل‌های مختلف طرح شده است. این مصوبه در بعد کلان به چند مثال

حقوقی مشخص برای تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، از اقدامات موردنظر در مقطع سرمایه‌گذاری است.

یکی دیگر از محورهای چهارده‌گانه ذکر شده در طرح ساماندهی اقتصاد، خصوصی‌سازی و متمرکز کردن فعالیت‌های دولت در حوزه اعمال حاکمیت و کاستن از تصدی‌هاست. روشن است که پیامدهای خصوصی‌سازی همه بخش‌های اقتصادی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تحقق عینی آن نیاز به تدوین برنامه خصوصی‌سازی دارد. در این

○ با توجه به شرایط کنونی اقتصاد کشور، افت درآمدهای ارزی در اثر کاهش بهای نفت در بازارهای جهانی و ضرورت تجدیدنظر در ساختار هزینه‌ها و تصدی دولت بر امور اقتصادی، تدوین لایحه خصوصی‌سازی ضروری است.

با توجه به محدودیت منابع ارزی و فشار بازپرداخت تعهدات خارجی، امکان اعطای منابع ارزی موردنیاز سرمایه‌گذاران جدید صنعتی کمتر فراهم می‌باشد، در حالی که منابع مالی بین‌المللی، بانک‌های خصوصی خارجی و... با ارزیابی دقیق طرح‌های اقتصادی و توجه ویژه به بازده آنها، حاضر هستند منابع موردنیاز سرمایه‌گذاران خصوصی (در قالب طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک یا مستقیم، برای سرمایه‌گذاران ایرانی) را فراهم آورند. تسهیل این امر و تدوین چارچوب قانونی برای بهره‌گیری از منابع خارجی به‌ویژه برای بخش خصوصی ایران می‌تواند در ایجاد صنایع پربازده و کارآمد در کشور مؤثر باشد.

همان‌گونه که بیان شد، طرح ساماندهی اقتصاد به‌منظور رشد صنعت و صادرات صنعتی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در محورهای گوناگون، برنامه‌هایی را برای احیاء و بازسازی صنایع کشور پیش‌بینی کرده است. اما طراحی این برنامه‌ها و برخی لوایح ضروری در قالب سومین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور می‌بایست تحقق پیدا کند.

اشاره کرده که بدین شرح آمده است: یکی از دغدغه‌های جدی اقتصاد کشور که در طرح ساماندهی نیز به آن اشاره کرده‌اند، تأمین منابع موردنیاز سرمایه‌گذاری و رشد تولید است. برای حل این معضل، بازده سرمایه‌های موجود در اختیار دولت، توسعه سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی و نیز گسترش سرمایه‌گذاری خارجی اشاره شده است. تحقق هدف‌های یادشده، در گرو تبیین برنامه‌های اجرایی هر یک از آنهاست. برای مثال بخش قابل‌توجهی از سرمایه‌های دولت در اختیار شرکت‌های دولتی است که هم‌اکنون با بازده بسیار پایین و در بسیاری موارد، منفی فعالیت می‌نمایند. برای افزایش بازده این سرمایه‌ها، بازنگری در شیوه عمل شرکت‌های دولتی، ضروری است.

از سوی دیگر، منابع محدود سرمایه‌های کشور برای شمار زیادی از طرح‌های عمرانی هزینه می‌شود، بدون آنکه همه آنها از توجیه کافی فنی - اقتصادی برخوردار باشند. در بخش غیردولتی، تجدیدنظر در فرآیندهای اداری موجود بر سر راه سرمایه‌گذاری و نیز طراحی سازوکارهای اقتصادی و

برنامه باید برای شرکت‌هایی که آماده واگذاری به بخش خصوصی هستند، شیوه‌های واگذاری، سازمان واگذارنده، تقاضای بازار و جز اینها، تمهیدات روشنی اندیشیده شود. برای گروه دیگر شرکت‌ها که باید واگذار شوند، لکن آماده واگذاری نیستند، برنامه‌های آماده‌سازی تدوین شود.

مورد دیگر، وضعیت برخورد با انحصارات در کشور است. علی‌الاصول حذف انحصارات، ضرورتی ندارد و تنظیم انحصارات ضروری و نحوه رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی و جلوگیری از شکل‌گیری انحصارات جدید، به تدوین برنامه‌ای جامع و احیاناً تدوین لوایح قانونی نیاز دارد.

در مورد حد تفصیل برنامه در بخش‌های مختلف نیز به چند مثال اشاره می‌نمایم:

در فرآیند برنامه‌ریزی برای بخش‌های مختلف می‌توان پرسش‌های متفاوتی مطرح کرد. برای مثال، می‌توان از بخش صنعت خواست تا میزان تولید محصولات عمده را طی سال‌های برنامه مشخص نماید. در حالی که می‌توان از بخش صنعت خواست تا به پرسش‌های

مهم‌تری پاسخ دهد که پاسخ به آنها نقش تعیین‌کننده‌ای در یافتن پاسخ برای پرسش‌های از نوع پرسش اول خواهد داشت.

برای مثال، انحصارات موجود در بخش صنعت، طی سال‌های برنامه چگونه متحول شدند؟ حمایت‌هایی که از محصولات صنعتی از طریق منع واردات، تعرفه‌های گمرکی و جز اینها اعمال می‌گردد، چگونه تغییر خواهد کرد؟ و رقابت‌پذیری محصولات صنعتی کشور در سطح بین‌المللی چگونه محقق خواهد شد؟ صنایع پیشرو در صنعت کشور کدامند؟ انتقال فن‌آوری از طریق اعمال کدام سیاست‌ها و روش‌ها صورت می‌گیرد؟ صادرات صنعتی را چگونه می‌توان توسعه داد؟ نهادهایی که در بخش صنعت می‌توانند فعالیت بخش خصوصی و تعاونی را توسعه دهند، کدامند؟ و از این نوع سؤال‌ها.

در ادامه این مصوبه آمده است: «در مجموع براساس پیشنهاد ارایه شده، برنامه سوم در سه مرحله برشمرده به شرح زیر تهیه و تنظیم می‌گردد:

مرحله اول:

۱- بررسی عملکرد گذشته، تبیین وضع موجود، مشکلات و تنگناها و نقاط قوت و ضعف ساختاری و عملکردی.

۲- تهیه چشم‌انداز بلندمدت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور با نگرش‌های آمایش و شناخت دغدغه‌ها و چالش‌های آینده.

۳- ارایه گزینه‌های مختلف و پیشنهاد گزینه مطلوب.

۴- رهنمودهای کلی برنامه سوم توسعه.

مرحله دوم:

۱- تدوین برنامه‌های عملیاتی رهنمودهای کلی برنامه.

۲- تدوین سیاست‌های اقتصاد کلان

و سیاست‌های استراتژیک (راهبردی) بخشی.

۳- تهیه طرح پایه آمایش سرزمین.

۴- تهیه چارچوب‌های تمرکززدایی

و تفویض اختیار از مرکز به استان‌ها.

۵- نهایی نمودن تصویر روند مطلوب.

۶- لایحه برنامه سوم توسعه.

مرحله سوم:

تدوین برنامه‌های بخشی و استانی براساس قانون برنامه سوم و جهت‌گیری آمایشی.»

در این مصوبه، در بخش مضامین اصلی برنامه سوم آمده است:

۱- اصلاح نظام اجرایی و ساماندهی شرکت‌های دولتی (ساماندهی شرکت‌های دولتی و خصوصی‌سازی، اصلاح ساختار اداری و مدیریت و...)

۲- گسترش تولید و سرمایه‌گذاری:

- شناسایی و رفع موانع تولید (در کلیه بخش‌ها) و تنظیم و تدوین سیاست‌های معطوف به راه‌اندازی تولید.

- شناسایی و رفع موانع سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی و تنظیم و تدوین سیاست‌های معطوف به رشد سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی.

- شناسایی و رفع موانع سرمایه‌گذاری خارجی و تدوین سیاست‌های معطوف به رشد سرمایه‌گذاری خارجی.

- توسعه بخش خصوصی.

- توسعه بخش تعاونی.

- اصول و مبانی اصلاح قوانین و مقررات ناظر بر تولید و سرمایه‌گذاری.

همچنین در بند ششم مضامین اصلی برنامه سوم، سیاست‌های اقتصاد کلان

تشریح شده است که در قالب سیاست‌های مسالی (اصلاح ساختار

بودجه و مالیات‌ها)، سیاست‌های پولی و تورم، سیاست‌های ارزی و نظام تعیین

نرخ برابری، سیاست‌های تجاری و... مدنظر می‌باشد.

همچنین در بند ۱۴ مضامین اصلی برنامه سوم، توسعه علوم و فن‌آوری و نوآوری مطرح شده است که تقویت زیربنایها و سازوکارهای توسعه و فن‌آوری و انتقال دانش فنی، تحقیق و توسعه، توسعه سازوکار گسترش نوآوری، توسعه فن‌آوری اطلاعات، اصلاحات نهادی و سازمانی و... در قالب آن مدنظر می‌باشد.

این مضامین به‌طور مستقیم و گاه غیرمستقیم توسعه بخش صنعت و صادرات آن را مدنظر دارد.

آنچه مسلم است دیدگاه نظام برنامه‌ریزی برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور منطبق بر طرح ساماندهی و با هدف رفع معضلات بخش‌های مختلف اقتصادی به‌ویژه بخش صنعت برای کمک به رشد اقتصادی، افزایش و تنوع درآمدهای ارزی، رفع معضل بیکاری، کاهش میزان تورم در اثر رشد تولیدات ملی و در نهایت کاهش وابستگی به درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت و ارتقاء کارایی نظام اقتصادی کشور می‌باشد.

هر چند که برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اول و دوم نتوانست بهبود مؤثری در رونق سرمایه‌گذاری، تولید و صادرات محصولات صنعتی به‌وجود آورد، لیکن انتظار می‌رود که با دیدگاه توسعه فعالیت بخش خصوصی و کاهش تصدی دولت در امور خرد اقتصادی که بر برنامه سوم حاکم است، تحول اساسی در تولید و صادرات صنعتی به‌وجود آید.

